

پیش هزاره گرایی چیست؟



پیش هزاره گرایی (premillennialism) دیدگاهی است که می گوید بازگشت دوباره مسیح قبل از سلطنت هزار ساله اش اتفاق می افتد، و اینکه سلطنت هزارساله واقعا هزار سال سلطنت مسیح بر روی زمین است. برای درک و تفسیر قسمتهایی از کلام خدا که درباره وقایع زمانهای آخر است، دو چیز باید بطور واضح درک شوند: یکی روش صحیح تفسیر کلام خدا و دیگر تمایز دادن بین قوم اسرائیل (یهودیان) و کلیسا (ایمانداران به عیسی مسیح).

اول اینکه، روش صحیح تفسیر کلام خدا این است که تفسیر قسمتهای مختلف کتاب مقدس با هم هماهنگی داشته و خارج از مفهوم اصلی کتاب مقدس نباشند. یعنی هر قسمت از کلام باید طوری تفسیر شود که در هماهنگی با، گروهی که خطاب به آنها نوشته شده، گروهی که درباره آنها نوشته شده، و گروهی که آنها نوشته اند، و غیره باشد. خیلی مهم است که بدانیم نویسنده کیست، خطاب به چه کسانیست، و سابقه تاریخی هر قسمتی را که تفسیر می کنیم بدانیم. تاریخچه و فرهنگ زمان نوشتن شدن هر قسمت معنی اصلی آن قسمت را مشخص می کند. همچنین مهم است که بیاد داشته باشیم کلام خدا خودش را تفسیر می کند. اینطور که اغلب یک قسمت در مورد موضوعی صحبت می کند که در قسمتهای دیگر کتاب مقدس هم آمده است. مهم است که همه این قسمتها را بطور هماهنگ با یکدیگر تفسیر کرد.

بالاخره، و مهمتر از همه، قسمتهای کتاب مقدس را باید همیشه عادی و ساده و معمولی و همانطور که هست معنی کرد مگر اینکه محتوای آن قسمت استعاری باشد. تفسیر دقیق، احتمال استفاده از استعاره

را رد نمی‌کند. بر عکس، مفسر را تشویق می‌کند که زبان استعاری را معنی آن قسمت در نظر نگیرد مگر اینکه برای محتوای آن مناسب باشد. خیلی مهم است که هرگز دنبال معنی «عمیقتر» و یا «روحانی‌تر» از آنچه بیان شده نگردیم. این خطرناک است که قسمتی از کلام را خودمان روحانی‌تر کنیم چون تفسیر اصلی و دقیق را از فکر خواننده دور می‌کند. این می‌تواند باعث شود که دیگر تفسیر غیر شخصی وجود نداشته باشد و در عوض، کلام خدا بر اساس نظرات مردم تفسیر شود. دوم پطرس فصل ۱ آیه‌های ۲۰ تا ۲۱ به ما یادآوری می‌کند که «این را بدانید که هیچیک از پیشگویی‌های کتاب آسمانی، از فکر خود انبیاء تراوش نکرده، بلکه روح القدس در وجود این مردان خدا قرار می‌گرفت و حقیقت را به ایشان عطا می‌کرد تا بازگو نمایند».

وقتی این اصول تفسیر کردن را رعایت می‌کنیم، مشخص می‌شود که اسرائیل (فرزندان و نسل جسمانی ابراهیم) و کلیسا (همه ایمانداران عهد جدید) دو گروه مجزا هستند. خیلی مهم است که تشخیص دهیم اسرائیل و کلیسا از هم جدا هستند چون اگر این اشتباه درک شود، کلام خدا اشتباه تفسیر می‌گردد. بخصوص قسمتهایی که احتمال تفسیر غلط آنها می‌رود قسمتهایی است که در آنها به اسرائیل وعده‌هایی (چه انجام شده، چه انجام نشده) داده می‌شود. چنین وعده‌هایی نباید به کلیسا منسوب شوند. بیاد داشته باشید که محتوای هر قسمت نشان می‌دهد که آن قسمت خطاب به چه کسی نوشته شده و خود به تفسیر صحیح اشاره می‌کند.

با در نظر گرفتن این نکات، ما می‌توانیم به قسمتهایی از کتاب مقدس که درباره دیدگاه قبل از سلطنت هزارساله است نگاه کنیم. پیدایش فصل ۱۲ آیه‌های ۱ تا ۳: «خداوند به ابرام فرمود: «ولایت، خانه پدری و خویشاوندان خود را رها کن و به سرزمینی که من تو را بدانجا هدایت خواهم نمود برو. من تو را پدر امت بزرگی می‌گردانم. تو را برکت می‌دهم و نامت را بزرگ می‌سازم و تو مایه برکت خواهی بود. آنانی را که به تو خوبی کنند برکت می‌دهم، و آنانی را که به تو بدی نمایند لعنت می‌کنم. همه مردم دنیا از تو برکت خواهند یافت»».

خدا به ابراهیم سه چیز را وعده داد: از نسل ابراهیم فرزندان زیادی بوجود خواهند آمد، این قوم سرزمینی خواهند داشت، و برکت جهانی برای همه انسانها از نسل ابراهیم (یهودیان) خواهد بود. در پیدایش فصل ۱۵ آیه‌های ۹ تا ۱۷، خدا با ابراهیم عهد می‌بندد. آن عهد طوری بود که تمام مسئولیت آن بر دوش خداوند بود و ابراهیم نمی‌توانست مانع اجرای این عهد شود. همچنین در این قسمت، مرزهای سرزمینی که بعدها قرار بود یهودیان آنرا بگیرند مشخص می‌شود. برای مطالعه جزئیات این عهد، تثنیه فصل ۳۴ را بخوانید. قسمتهای دیگر که درباره وعده خدا درباره سرزمین موعود است عبارتند از تثنیه فصل ۳۰ آیه‌های ۳ تا ۵ و حزقیال فصل ۲۰ آیه‌های ۴۲ تا ۴۴

در دوم سموئیل فصل ۷ آیه‌های ۱۰ تا ۱۷، می‌بینیم که خداوند به داوود وعده نسلی را می‌دهد که خدا

از آن نسل پادشاهی ابدی خود را استوار می کند. این اشاره به حکومت مسیح در سلطنت هزار ساله و سلطنت ابدی دارد. بیاد داشته باشیم که این وعده باید انجام شود و هنوز اتفاق نیفتاده است. بعضی باور دارند که پادشاهی سلیمان تکمیل این نبوت بود، اما مشکلی که این مطلب دارد این است که سرزمینی که سلیمان بر آن سلطنت می کرد، امروزه در دست اسرائیلی ها نیست و سلیمان هم امروز بر اسرائیلی ها حکومت نمی کند. بیاد داشته باشید که خدا به ابراهیم وعده داد که نسل او سرزمینی را مالک می شوند که تا ابد در آن ساکن خواهند گردید. همچنین، دوم سموئیل فصل ۷ می گوید که خدا پادشاهی را منسوب خواهد کرد که تا ابد حکومت کند. سلیمان نمی توانست تکمیل این وعده به داوود باشد. بنابراین، این وعده ایست که هنوز انجام نشده است.

حالا، با در نظر گرفتن همه اینها، ببینید در مکاشفه فصل ۲۰ آیه های ۱ تا ۷ چه نوشته است. هزار سالی که در این قسمت مرتبا تکرار شده است، اشاره به هزار سال سلطنت بر روی زمین است. وعده ای را بیاد بیاورید که به داوود درباره سلطنتی داده شد که باید بیاید و هنوز نیامده است. پیش هزاره گرایی این متن را به عنوان توضیحی مبنی بر انجام شدن وعده خداوند و بر سلطنت نشستن عیسی مسیح می بیند. خدا هم با ابراهیم و هم با داوود عهدی بدون شرط بست. هیچیک از این عهدها کامل و بطور دائمی تحقق نپذیرفته اند. سلطنت مسیح و آنها بطور واقعی و فیزیکی تنها راهی است که وعده های خدا انجام می شوند.

با روش تفسیر دقیق کلام خدا این تکه های جدول در کنار هم قرار گرفته و معنی می دهند. تمام پیشگویی های عهد قدیم درباره ظهور اول مسیح به طور کامل محقق شده است. بنابراین، ما باید انتظار داشته باشیم که پیشگویی های آمدن دوباره او هم عملا انجام شوند. پیش هزاره گرایی تنها سیستمی است که تفسیر دقیق انجام عهدهای خدا و پیش گویی های زمانهای آخر را قبول دارد.